

یادداشت کارگری هفته

به استقبال اول ماه مه ۱۴۰۱ بشتابیم! (بخش چهارم)

امیرجوهری لنگرودی



اول ماه مه سال ۱۴۰۱ در راه است!

در شرایطی به استقبال اول مه سال (۲۰۲۲) روز جهانی کارگر، می‌رویم که امسال در سطح جهان جنگ بزرگ نه فقط بر سر توپ و تانک و حمل سلاح و تجاوز، بلکه در دل جنبش محرومان، جنگ همچنان بر سردست یابی نان و آزادی است!

آتش جنگ و نفرت و کینه از جغرافیایی به جغرافیای دیگر و خاصه در جوامع پیرامونی، نشانه نفرت پراکنی آنانی است که منفعت کوتاه مدت و دراز مدت خود را با زیر گرفتن موقعیت نیروی طبقه کارگر جوامعی می‌بینند که آتشبار این صحنه گردانی کینه و خشم‌اند و صد البته طبقه کارگر جهانی نیز از آن رنج می‌برند! از اینرو در دوره اخیر و در آستانه اول ماه مه امسال - همچون گذشته - منافع طبقه کارگر در سطح جهان و حتی در جوامع پیرامونی ما، در هم پیمانی با این و آن و دوری‌گزینی از درگیری تهاجمی ناسازگار با موجودیت نیروی رنج و کار جامعه خودی گره خورده است.

از میان دو نیروی کار و سرمایه، نیروی کاری که در برابر جنگ طلبی و تهاجم، در صحنه اجتماعی و نبردهای خیابانی، مقاومت دارد، طبقه اجتماعی‌ای که در برابر پیشروی تجاوز جنگ طلبی می‌ایستد و به نوعی مخالف جنگ‌اند، با دستگیری‌ها، زندان و تبعید روبه‌رویند. در ایران و در جهنم جمهوری اسلامی نیز، حاصل همه دسترنج کارگران و جنبش‌های اعتراضی مطالبه‌گر در دل نبرد طبقاتی بر سر جنگ نان به تاراج می‌رود.

پیشتر آوردیم: «ما معتقدیم در شرایط حاضر یک حزب بزرگ بر پایه مطالبات بی پاسخ مانده، به شکل خود بخودی، که بتواند همه نیروهای اجتماعی موجود را متحد بکند، در اساس وجود ندارد، بنابراین لازم است که برای متمرکز شدن بر این پراکندگی و تفرق موجود، وسعت بخشیدن به عنصر

همبستگی‌ها، همپوشانی‌ها، همصدایی‌های تمامی لایه‌های نیروی کار در مضمون همگرایی‌های وسیع و موردی، بر پایه فصل مشترکات موجود میان بخش‌های مختلف کارگران- کارمندان و مزدبگیران، معلمان، بازنشستگان، زنان، پرستاران، بهیاران، دانشجویان و بیکاران، بیش از پیش ضرورت پیدا می‌کند»* اگر این را نپذیریم، در اوام خود به سر برده و در زمین واقعی مبارزه طبقاتی موجود در کشور حضور نخواهیم داشت!

در بافت تقویت این همگرایی‌ها است که در می‌یابیم اتحاد مکانیکی و یکپارچه پنداشتن جنبش کارگری با ندیده گرفتن تنوع گرایش‌های درونی طبقات، فکر عبث و تصور نادقیقی است؛ چرا که همبستگی و همصدایی براساس پذیرش تنوع گرایش‌ها و مطالبات مشترک آنان است که شکل می‌گیرد.

پیشتر در اولین یادداشت‌های عمده‌ترین این وجوه مشترک را به شکل زیر برشمردم: «امروز همچون دیروز، همه نیروهای مطالبه‌محور باید این واقعیت تاریخی را دریابند: اگر فعالان ما در زندانند. اگر کنشگران خیابانی ما احضار می‌شوند، اگر همسان‌سازی برای سطوح مختلف نیروهای اجتماعی خواست مشترکی است و اگر امر بالا بردن دستمزد بر پایه نرخ تورم نقطه به نقطه و گرانی سبب معیشت زندگی، دشواری امنیت شغلی، بازگشت بر سر کار کارگران اخراجی، خواست‌های اساسی و مشترک همه مزد و حقوق بگیران جامعه هستند و پنج میلیونی ما است، لذا پاسخگویی به همه این مطالبات یا همه این دردهای مشترک، هرگز جداجدا درمان نمی‌شود! و دست یابی به این همه مطالبات مشترک، بدون رزم مشترک، ممکن نیست!»**

بنابراین باید مطالبات مشترک را براساس همین تنوع به حرکت درآورد، بدون اینکه استقلال همدیگر را از بین ببریم. این دقیقاً بدین معنی است که ما هم در یازده اردیبهشت (روز جهانی کارگر) می‌توانیم تجمع داشته باشیم و هم در روز دوازده اردیبهشت (روز معلم) می‌توانیم به خیابان بیاییم.

اگر جریانی این واقعیت عینی درون جامعه را نپذیرد و خود را یگانه فکر سازمانگر طبقات اجتماعی و وحدت اخلاقی جامعه بداند، حقانیت مبارزه درون جامعه و تناقضات موجود را درنیافته است. باید دریابیم؛ ما برآمده از جامعه‌ای هستیم که حاکمیت‌اش با عریانی هر چه تمام‌تر بیش از چهار دهه، با تقسیم جامعه به نیروی «خودی» و «غیرخودی» همه وحدت اخلاقی درون جامعه را در هم ریخته و جامعه ما را با تضادهای آشتی ناپذیری که سرشته از اخلاق ایدئولوژیک طبقه حاکم است، بن پایه کل احاد کشور گردانیده و چنین تفرقه‌ای در تمامی ارکان جامعه ریشه دوانده و منافع ستمدیدگان و دینفعان را نادیده گرفته‌اند. از همین رو زدودن بنیادهای بی بنیاد این همه پراکندگی و نفرت و واگرایی‌های گسترده و ای بسا ایدئولوژیک، توسط یک حزب و گروه و سازمان، خیالی باطل است؛ مادامیکه یک نیرو هنوز تبدیل به نمود جنبشی در اجتماع نشده و در فرایندی دموکراتیک صاحب پایگاه طبقاتی معین و مشخصی در درون جامعه نیست، چون درعینیت مبارزه جای ندارد، در عمل اجتماعی، موجودیت استقلال عمل آنان را در نمی‌یابد، به نوبت خویش نمی‌توانند ضرورت پاسخگویی به حقانیت جنبش بزرگ و چند صدایی و پیچیدگی‌ها و مطالبات آنها دریابد. نمی‌تواند موجودیت فاعل تاریخ بر بستر مبارزه طبقاتی را بدلیل بی ارتباط بودن با خود فاعل تاریخ (طبقه ما) نیک بسنجد که آنان به دنبال تحقق نظامی اند که از هر کس به اندازه توانش انتظار کار می‌رود و به هر کس به اندازه نیازش و آگذار خواهد شد.

در جامعه ما بورژوازی فریبکار در صفت پُرشمار رانت خوارگی، با غارت منابع و همه عرصه‌های سودبری، بخش خصوصی و خصوصیتی سود مسلک که همان پیمانکاران خودی و چاق و چله سپاه پاسداران و شرکای آنان - آنچه را که طی این چهار دهه تماشاکارش بودیم که چگونه همین بورژوازی با مصادره انقلاب و خود را انقلابی نامیدن - در عمل، مردم را از انقلاب و هر سطح تحول خواهی و تغییر کیفی انقلابی رانده و رسانه‌های جریان اصلی سرمایه داری هم با سرخورده کردن مردم از

انقلاب، دائماً این مفهوم را طرد و نفی می‌کنند. تمام اینها می‌تواند مصادیق اولیه و ابزاری برای فریب توده مردم در برابر نیرنگ بورژوازی باشد. چرا که هم اینان با زور و فریب، تلاش می‌کنند تا درک توده‌ها را همواره تیره و تار و ابتکار هم جوشی، همگرایی و همصدایی و حتی هر نوع ابتکار انقلابی آن‌ها را کند نمایند. از اینرو تنها نظاره‌گر بیطرف بودن و فرمان صادر کردن که لنگش کن، ما تو را رستگار خواهیم کرد، بسان پنهان کردن همه تضادهای واقعی در فراز پرچم نزدیکی‌های صوری و بی‌پشتوانه، نمی‌تواند پایدار باشد. چنین ادعایی بر بنیادی چنین ناپایدار، سرانجامی جز ورشکستگی ناگزیر ندارد...

در ایران و در جهنم جمهوری اسلامی، می‌توان برگزاری مراسم یازدهم اردیبهشت (اول ماه مه) و دوازدهم اردیبهشت (روز معلم) را به وسیله یک رشته سرخی به هم وصل نمود. می‌توان این دو روز را به تجلی گاه آگاهی بخش برای همه نیروهای مطالبه محور درون جامعه، برای فائق آمدن به سطوح گوناگون دشواری‌ها، با به کارگیری ده‌ها شکل و شمایل جمعی، به شکلی شادی بخش و رزم مشترک، به دور از چشمان گزمگان و عمله نظام به نمایش گذاشت. بدین معنی سعی کرد مطالبات مشترک را در تجمع شهرهای گوناگون و یا به شکل‌های مختلف در گرامیداشت این دو روز طرح نمود و به خیابان، کوه، در و دشت و محیط کارگری و خانواده‌های معلمان زندانی برد.

یادمان نرود: در ایران تاریخ خونبار مبارزه طبقاتی در طی چند دهه اخیر دو نظام (شاه و شیخ) نشان داده هنوز آن دشمنی و عداوت پایه‌ای بین دو قطب سرمایه و کار یا صاحبان سرمایه و کارگران مزدی تداوم داشته و دارد. هنوز که هنوز است کارگر، معلم و بازنشسته زن و مرد و بیکار امروزی که کارگران دیروزی‌اند، در تمامی لایه‌های کارگران بخش‌های (خدمات، تولیدی و بخش‌های صنعتی) همه و همه مجبورند برای گذران زندگی، نیروی کار خود را در یک یا چند رابطه ساده بفروشند و برای بقاء خود تلاش و مبارزه متشکل و سازمان‌یافته نمایند.

در تمامی این سال‌ها، هنوز که هنوز است با این همه فداکاری، مبارزه، اعتصاب و اعتراض و هزینه پرداختن‌ها، اردوی پرشمار کار، کمتر کنترل و تاثیر تعیین کننده‌ای در چرخه تولید دارند؛ از یک طرف فاقد تشکل‌های مستقل در سطح داخلی‌اند و از طرفی نیز به دلیل اقتدار دولت رانتهی و سرکوب خشن، دستگیری‌ها و زندان کردن‌ها و تبعید فعالان کارگری، با همه تلاش‌ها و رویکرد مبارزاتی متشکل آنان، همچنان از حداقل تجمیع در درون تشکل مستقل خویش محرومند. کارگران ما هنوز تعرض شان این جا و آن جا دفاعی است و برای حفظ داشته‌های دیروزی خود که سرمایه داری حاکم از آنان ربوده، تلاش می‌ورزند. همچنان موجودیت تشکل سندیکایی ما، به دو نیروی شناخته شده کارگری: (سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه) در وابستگی شان به محیط کار، تجمیع کانون‌های صنفی معلمان و شورای فرهنگی آنان و بخش کانون‌های برون از محیط کار و دیگر کمیته‌های اقدام مستقل، محدود می‌شود که از جانب حکومتگران به رسمیت شناخته نمی‌شوند. هنوز هر نوع اجتماع اعتصابی و مطالباتی، خود نفس اعتصاب و هر سطح سازمانیابی تشکل مستقل کارگری در ایران ممنوع است. هنوز تعطیلی با حقوق اول ماه مه، روز جهانی کارگر ضمانت اجرایی و قانونی ندارد. تمامی مطالبات اعلام شده کارگران با مقاومت و سرکوب سرمایه داری حاکم اسلامی، بی پاسخ مانده و هنوز فعالان شناخته شده کارگری به خاطر راه انداختن تشکل مستقل خود، سندیکا و کمیته هماهنگی و پیگیری و دفاع از حقوق کارگران و جانبداری از آن در زندانند. فعالین مطالبات بازنشستگان در زندانند، معلمان شاغل معترض در زندانند، زنان فعال ما در زندانند و همواره احضارها به سان صفی کمر شکن در برابر خانواده‌های کنشگر و میدانی بر تمامیت جامعه ما سنگینی می‌کند. هنوز کارگران اخراجی ما بر سر کار باز نگشته‌اند.

امسال روز رزم و جنبش همبستگی کارگران جهان (اول ماه مه) را در شرایطی در ایران برگزار می‌کنیم که فعل و انفعالات جنبش کارگری ایران تا حدی در مرکز توجه محافل، مجامع و

گروه‌بندی‌های سیاسی به دلیل خالی بودن کیسه دولت اسلامی ابراهیم رئیسی و هزینه کردن و بدهکاری به صندوق تامین اجتماعی و صندوق ذخیره پولی فرهنگیان و صندوق بازنشستگی کشور، دهان باز کرده و شکست دیگر باره برجام و ادعای بازگشت پول‌های بلوکه شده در دعوای بین اتحادیه اروپا و آمریکا به دلیل باقی ماندن سپاه پاسداران در فهرست تحریم گروه‌های تروریستی، توسط ایالات متحده آمریکا، امیدهای حکومت را بر باد داده و بدلیل سیاست‌های بی نقشه گی دولت رئیسی منتظر دلار ۴۰ هزار تومانی باید باشیم!

پس از شکست شرمگینانه اصطلاح طلبی، امروز می‌بینیم به وسیله نظر سنجی‌های اینترنتی سعی می‌شود مکتب ورشکسته و امتحان پس داده سوسیال دمکراسی را در مقابل حذف چپ با ادعاهای دهان پرکن نقد چپ سنتی در بحث‌های کلاب هاوسی (Club house) برجسته سازند. با زدن و رد عملکرد این و آن و نادیده گرفتن مبارزات واقعی و میدانی معلمان و کارگران و جنبش‌های مطالبه محور، می‌خواهند به موجودیت اعتراضات خیابانی طبقه کارگر که می‌رود تندتر شود، حمله و آنرا صرفاً صنفی و قانون مدارانه و اصلاح طلبانه جلوه دهند. تلاش برای استحاله آن در درون افشار، لایه‌های اجتماعی به اصطلاح طبقه متوسط و دارو دسته‌های وامانده خارج کشور (دوران گذار، فرشگرد، شاهزاده و...) در این رویکرد به وضوح دیده می‌شود. گرچه اینک مانند همه اصلاح طلبان که وابسته به رانت‌های گوناگون سرمایه‌داری و قدرت هستند با پوزخندی شادمانانه، پشت فرمان ابزارهای فراوان پیامرسان شبکه مجازی، مفت می‌رانند و برای محو مبارزه طبقاتی دنبال دست آویزند، همه آنان فردا مجبورند که ادعای ریشخندانانه و خیال پردازانه دیروزی خود را پس بگیرند؛ چرا که این تنها کارگران و زحمتکشانشان هستند که به مثابه تنها طبقه اجتماعی واقعاً موجود در میدان مبارزه، با همه دشواری پیش روی، جای ویژه‌ای در معادلات اقتصادی و سیاسی جامعه امروز و فردای ایران خواهند داشت و رو سیاهی به زغال می‌ماند.

ادامه دارد

منبع:

* رفرنس یاد شده اول را می‌توانید در لینک زیر بخوانید

http://karegari.com/maghalat/2022/03/29/Aval_Maj_1401_1.pdf

** رفرنس یاد شده دوم را می‌توانید در لینک زیر بخوانید.

http://karegari.com/maghalat/2022/04/10/Aval_Maj_1401_3.pdf

علاقمندان بخش های پیشین این یادداشت ها را می‌توانند :

* بخش نخست این مطلب را می‌توانید در سایت روزشمار جنبش کارگری بخوانید:

http://karegari.com/maghalat/2022/03/29/Aval_Maj_1401_1.pdf

* بخش دوم این مطلب را می‌توانید در سایت روزشمار جنبش کارگری بخوانید:

http://karegari.com/maghalat/2022/04/03/Aval_Maj_1401_2.pdf

* بخش سوم این مطلب را می‌توانید در سایت روزشمار جنبش کارگری بخوانید:

http://karegari.com/maghalat/2022/04/10/Aval_Maj_1401_3.pdf